



## تجربه عرفانی برای همه قابل دسترس است / چیستی عرفان تطبیقی

هادی وکیلی، پژوهشگر فلسفه و عرفان با بیان اینکه مطالعات تطبیقی عرفان در قرن ۱۹ شکل گرفت، گفت: تجربه عرفانی می‌گوید یک تجربه واحد خاص عرفانی وجود دارد که برای همه قابل دسترس است.

هادی وکیلی، پژوهشگر فلسفه و عرفان با بیان اینکه مطالعات تطبیقی عرفان در قرن ۱۹ شکل گرفت، گفت: تجربه عرفانی می‌گوید یک تجربه واحد خاص عرفانی وجود دارد که برای همه قابل دسترس است.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست «چیستی عرفان تطبیقی» با سخنرانی هادی وکیلی، ۱۷ تیرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

هادی وکیلی در این نشست گفت: بحثم را در ۱۰ محور طراحی کرده‌ام که با پیش فرض‌هایی همراه است و ملاحظات معناسناختی، معرفت‌شناختی، فرهنگی، جامعه‌شناختی و زبان‌شناختی دارند. معادل انگلیسی عرفان Mysticism است که از ریشه کلمه ای یونانی به معنای نادیده گرفتن، خاموش بودن و بستن چشم است. گرچه برخی علاقه مندند معادل عرفان را Sophism بگیرند. برخلاف عرفان اسلامی که از واژه‌هایی همچون ذوق و شهود استفاده می‌شود که به معنای چشیدن و دیدن است و نه چشم بستن و خاموش شدن. اینها با هم مخالفی ندارند بلکه می‌توان گفت خاموشی از حواس و چشم بصر، مقدمه باز شدن چشم درون و ذوق کردن و چشیدن عوالم دیگر است.

وی افزود: برخی در غرب با تجربی تلقی کردن عرفان، آن را به سمت ساینس سوق داده‌اند. عرفان گاهی به معنای سیستم یا بینش نظری است که به آن عرفان می‌گویند، اما گاهی تجربه را برجسته می‌کنند و آن را تجربه عرفانی می‌گویند. در هر دو حوزه عرفان تطبیقی مطرح است. همچنین دو نوع پژوهش نظری و تجربی عرفانی داریم. در پژوهش‌های تجربی افرادی که این گونه تجربیات را دارند را فرا می‌خوانند و مورد بررسی آماری قرار می‌دهند. احوال عرفانی صرفاً روانشناختی یا ذهنی نیستند بلکه عینیت دارند. درست است که با فنومن‌های بالینی همراه‌اند یعنی علائم بالینی و بدنی-روانی دارند، اما احوال عرفانی را به این علائم فرو نمی‌کاهند و به اینها محدود و محصور نمی‌کنند.

هادی وکیلی سپس گفت: تأثیر داروهای روان‌گردان در تجربه‌های عرفانی نیز بررسی می‌شوند. در برخی فرقه‌های عرفانی استفاده از این مواد مرسوم است. مثل فرقه حشاشه که اهل حشیش بوده‌اند. باید تحقیق کرد که حالاتی که از این داروها حاصل می‌شود با تجربه‌های عرفانی چه تفاوتی دارد. ویلیام جیمز که پایه‌گذار این نوع مباحث است می‌گوید نباید این حالات را به رحمانی و شیطانی تقسیم کنید. سه حالت در مورد حالات عرفانی داریم: دورغ، شبه حقیقی و حقیقی. یک سوم این احوال حقیقی‌اند. این تقسیم بندی راحت است اما آنچه که سخت است تشخیص این است که فرد به کدام حالت دچار است. در انجمن روانشناسی آمریکا روی این بحث‌ها مطالعه می‌کنند تا مرزهای بیماران روانی را با کسانی که حالات عرفانی دارند بتوانند مشخص کنند.

وی اضافه کرد: در ملاحظات معرفت‌شناسی باید به دو پلورالیسم وجود شناختی، به این معنا که معتقد باشیم چند عرفان وجود دارد تا بتوانیم صحبت از مطالعات تطبیقی کنیم و پلورالیسم معرفت شناختی معتقد باشیم. پلورالیسم معرفت شناختی به این معنا که هر کدام از ما با اعتقادات خومان می‌توانیم عرفان دیگر اندیشه‌ها و فرقه‌ها را درک کنیم یا خیر. برخی معتقدند این هدف از طریق دور هرمنوتیک قابل درک است. مطالعات تطبیقی عرفان در قرن ۱۹ شکل گرفت. تا پیش از این، مفاهیم جریان‌های اصلی و دین حاکم مطرح بود که اجازه نمی‌داد تفکری غیر از خودش مطرح شود. در این زمان گذار از سنت دینی به تجربه دینی شکل گرفت.

هادی وکیلی عنوان کرد: تجربه عرفانی می‌گوید یک تجربه واحد خاص عرفانی وجود دارد که برای همه قابل دسترس است. از این تجربه به وحدت آفاق، فرو ریختن خود در برابر یک خود وسیع تر یا ریختن یک قطره در دریایی وسیع تعبیر می‌کنند. دوره دوم گذار، گذار از ذات‌گرایی به ساخت‌گرایی است. ساخت‌گرایی می‌گوید هیچ تجربه‌ای اعم از تجربه عرفانی، فارغ از ویژگی‌های فرهنگی، تاریخ و زبانی نبوده و نیست. تجربه افراد متفاوت است. در ملاحظات زبان‌شناختی گفته شده آیا زبان بیانی عادی ما توان بازگو کردن تجربه عرفانی را دارد یا خیر؟ برخی معتقدند به دلیل نارسایی این زبان، دچار تناقض‌گویی می‌شویم که به آن شطحیات گفته شده است. اینکه آیا عرفا زبان خاصی دارند تا بتوانند این مفاهیم را در آن بگنجانند یا خیر محل بحث است.

وی ادامه داد: درباره پیامدها و فایده مطالعه عرفان تطبیقی باید گفت با مقایسه درک بهتری نسبت به دیدگاه عرفانی خود پیدا می‌کنیم. کشف هم‌ریشگی بین سنت‌ها و پلی به سوی صلح میان فرهنگ‌ها و ادیان از دیگر فواید عنوان شده است. عرفان به تبع ادیان به ۱۰ نوع قابل تقسیم بندی است. معمولاً می‌گویند ۳ عرفان غربی داریم که همان یهودیت، مسیحیت و اسلام هستند. ۶ نوع هم در شرق مانند بودیسم، هندویسم، شینتوئیسم و &hellip;. یک دین هم که ما به آن زرتشت می‌گوییم و در آن اختلاف است که شرقی است یا غربی. عرفان‌های ابتدایی یا پرمیتیو هم داریم که از ادیان ابتدایی آمده‌اند. عرفان بومی هم تعبیر دیگری است که درباره سرخ‌پوستان آمریکا مطرح است. جنبش‌های نوظهور دینی و عرفان‌های نوپدید هم مطرح‌اند. آثار عرفانی نیز یا مسأله محور اند یا شخص محور و یا مکتب محور که عرفان تطبیقی در این حوزه (مکتب محور) مطرح است.

این نشست در ادامه با پرسش و پاسخ همراه بود.